

اخبار کارگری

فقط ۴۰.۵ درصد ایرانیان

جوبای کار هستند

رئیس مرکز آمار ایران با بیان اینکه ۴۰.۵ درصد ایرانیان جوبای کار هستند، گفت: نرخ بیکاری استان همدان نسبت به متوسط کشوری کمتر است.

امیدعلی پارسا در گفت و گو با ایسنا افزود: در استان همدان نرخ بیکاری ۷.۲ درصد است که با احتساب خطای نسیی ۲۵ درصد، همین عدد کمتری را بیشتر می شود.وی خاطر نشان کرد: در کشور ۶ دهم در صد افزایش نرخ مشار کت اقتصادی داشتیم که مشارکت استان همدان نسبت به پیش از این کمتر بوده اما نرخ میانگین بیکاری کشوری ۱۱.۷ و استان همدان ۷.۲ درصد بوده است. رئیس مرکز آمار ایران تصریح کرد: ۴۰.۵ درصد مردم در کشور جوبای کار هستند که این میزان در همدان ۴۰.۲ درصد است. وی افزود: آمار سال گذشته همدان ۴۰.۸ بوده که امسال به ۴۰.۲ کاهش پیدا کرده این نشان می دهد نیم درصد نرخ مشار کت اقتصادی مردم کاهش یافته است. وی افزود: در گذشته مرکز آمار فقط یک رقم می گفت اما امروزه ما رقم پایین تر و بالاتر رقم مورد نظر نیز بیان می شود، چون ما به همه مردم مراجعه نکردیم و بر اساس نمونه گزارش داده ایم.

این مقام مسئول یادآور شد: در مرکز آمار علاوه بر آورد نقطه ای از برآورد فاصله ای نیز گزارشی در اختیار مردم قرار گرفته است.

■ ■ ■

بازنشستگان: حقوقمان را به بالای خط فقر برسانید

بازنشستگان تامین اجتماعی، پس از تجمع روز چهارشنبه (دوازدهم دی ماه) در نامه ای اعتراضی که به مجلس، ریاست جمهوری و وزارت کار تحویل دادند، مهم ترین خواسته ها و دغدغه های خود را مطرح کردند. به گزارش ایلنا، این بازنشستگان در نامه خود، وضعیت فعلی تامین اجتماعی و بازنشستگان آن را نتیجه قصور دولت ها دانسته اند و خواسته های خود را عنوان کرده اند. این خواسته ها شامل این موارد است: حقوق ماهیانه ما بازنشستگان به بالای خط فقر و در حد یک زندگی شایسته و مرفه دوران بازنشستگی افزایش پیدا کند، دولت همه بدهی های خود را به صندوق سازمان واریز کند و در اقدامی عاجل تمامی خسارت های وارده به اموال مادر سازمان تامین اجتماعی را جبران کند.

■ ■ ■

کارگران ماشین سازی تبریز:

تکلیف کارخانه را مشخص کنید

کارگران ماشین سازی تبریز در نامه ای خطاب به مسئولان کشور ضمن ابراز نگرانی از عدم واگذاری صحیح ماشین سازی تبریز از سوی سازمان خصوصی سازی و شرایط نامطلوب تولید، خواستار تعیین تکلیف وضعیت حقوقی شرکت شدند. به گزارش ایلنا در این نامه آمده است: شرکت ماشین سازی تبریز متأسفانه به دلیل عدم توجه به فلسفه تأسیس این شرکت عظیم صنعتی طی دهه های پیشین و عدم رعایت اهلیت و سنخیت خریداران در پلاتکلیفی به سر برده و به واسطه عدم واگذاری صحیح از سوی سازمان خصوصی سازی در شرایط نامطلوب تولیدی به سر برده و بیم آن می رود در صورت نداشتن اراده مسئولین کشوری در حل مشکلات این واحد عظیم مادر صنعتی و دانش بنیان شاهد بروز تجمعات باشیم. از مسئولین و دولتمردان عاجزانه تقاضا داریم نسبت به موارد ذیل اعلان نظر داشته تا شاهد بالندگی و سر بلندی ایران اسلامی باشیم:

۱- تعیین تکلیف وضعیت حقوقی شرکت با محوریت وزارت صنعت، معدن و تجارت

۲- خروج از لیست واگذاری باهدف ساماندهی و نوسازی و تجهیز خط تولیدی فرسوده با امکانات و ماشین های ابزار تولیدی خویش با رویکرد توسعه فناوری شرکت جهت ایفای نقش بی بدیل در صنعت کشور و حضور در بازار های جهانی
۳- جهت جلوگیری از متلاشی شدن شرکت، مالکیت و متولی اصلی کارخانه مشخص و هیأتی جهت حل و فصل مشکلات عدیدة ایجاد شده با محوریت وزارت صنعت، معدن و تجارت تشکیل شود.
۴- اجرای بندب ماده ۱۹ سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مورد توجه قرار گیرد.
۵- لزوم احیای مجدد همکاری شرکت ماشین سازی تبریز با دانشگاه های صنعتی کشور جهت ارتقای تکنولوژی صنعت ماشین ابزار با بهره گیری از نخبان و تحصیل کردگان دانشگاه ها در اهم برنامه ریزی ها قرار گیرد.
۶- لزوم تأکید استفاده صنایع مختلف از تولیدات شرکت ماشین سازی تبریز در راستای لبیک به فرمایشات مقام عظمای ولایت در حمایت از کالای ایرانی در اولویت وزارت صنعت، معدن و تجارت قرار گیرد.

به زودی اثری از صنعت فرش دستباف ایران باقی نخواهد ماند

اینجا فرق تاریک است



نسرین هزاره مقدم

رج روی رج، رنگ های روشن و تند، دست هایی که هنرمندانه نقش می زنند و تار و پود فرش را به هم می بافند، طرح هایی چنان دلکش که انگار کل تاریخ را در یک قطعه دوازده متری گنجانده اند؛ تاریخ اسلیمی ها، دلآوری های شاهنامه، تجسم خیال انگیز اشعار نغز حافظ ورود کی- فرش دستباف بخشی انکارناپذیر از هویت جمعی ما ایرانی هاست، هویتی که تا بد به خاطرش به خود می بالیم. آمیزه ای از هنر و شکبایی است فرش دستباف ایرانی، آنچنان ظریف که تمام رنج ها و افتخارات تاریخ در همان تار و پود رنگی و روشن، در هم تنیده است. قدیمی ترین نمونه قالی جهان که تا کنون یافته شده، قالیچه ای آریایی با نقوش اصیل هخامنشی است که در گور یخ زده یکی از فرمانروایان سکایی در دره «پازیریک» در ۸۰ کیلومتری مغولستان پیدا شده است. پژوهشگران این قالی را از دست بافت های پارت ها یا مادها و مربوط به دوره هخامنشی می دانند.

قالی پارسی از دیر باز معروف و مورد استفاده بوده، سندن آن نیز «گزنفون» تاریخ نگار یونانی در کتاب «سیرت» کوروش، در بین سال های ۴۴۰ تا ۳۴۵ پیش از میلاد است که می نویسد: «برایانی برای اینکه بسترشان نرم باشد قالیچه زیر بستر خود می گسترند». امروز بعد از گذشت قرن ها، هوش ربایی و زیبایی فرش های ایرانی همچنان پایرجاست اما این صنعت دیگر به رونق و استواری دیروز نیست. «کمبود حمایت» تولید کنندگان فرش دستباف را زمین زده است و به زودی کشورهای شرقی دور، جایگاه

قالی پارسی از دیر باز معروف و مورد استفاده بوده، سندن آن نیز «گزنفون» تاریخ نگار یونانی در کتاب «سیرت» کوروش، در بین سال های ۴۴۰ تا ۳۴۵ پیش از میلاد است که می نویسد: «برایانی برای اینکه بسترشان نرم باشد قالیچه زیر بستر خود می گسترند». امروز بعد از گذشت قرن ها، هوش ربایی و زیبایی فرش های ایرانی همچنان پایرجاست اما این صنعت دیگر به رونق و استواری دیروز نیست. «کمبود حمایت» تولید کنندگان فرش دستباف را زمین زده است و به زودی کشورهای شرقی دور، جایگاه

۲۰۰ کارگردار در یک مدرم

۲۰۰ کارگردار در یک مدرم

خبر

کارشناس حوزه کار:

مزد توافقی باید تامین کننده یک زندگی کامل باشد

یک فعال حوزه کار معتقد است مزد توافقی، تامین کننده یک زندگی کامل با تمام مزایای رفاهی است و در کشورهای دیگر مزد توافقی برای کارگرانی تعیین می شود که از ویژگی تجربه و تخصص بالا برخوردارند.

علیرضا حیدری در گفت و گو با ایسنا، درباره تعیین مزد منطقه ای یا توافقی برای کارگران، گفت: پس از تصویب قانون کار سابقه نداشته که درباره تعیین مزد منطقه ای یا مزد متناسب با صنایع در کشور مذاکره جدی صورت گرفته باشد، هر چند که قانون مجاز دانسته ولی شرکتی اجتماعی تاکنون به این سمت نرفته اند. دو سال قبل هم موضوع مزد توافقی مطرح شد ولی شورا به این نتیجه رسید که امکان تعیین دستمزد توافقی به شکل جداگانه در کشور برای صنایع و مناطق مختلف وجود ندارد.

این کارشناس حوزه کار با بیان اینکه مزد توافقی تامین کننده یک زندگی کامل است تا فرد کم و کسری نداشته و در رفاه باشد، افزود: وقتی از مزد توافقی صحبت می کنیم در واقع برای کارگری که دارای تجربه

بهدف ایجاد اشتغال و رونق بخشی به هنر فرش ملی در منطقه محروم شاهین دژ، یک کارگاه بزرگ فرش دستباف با ۲۰۰ کارگر زن دایر کرده، مشکلاتش را این گونه روایت می کند: دو سال است در کارگاه را تخته کرده ام. ۲۰۰ کارگر کارگاه که همه زنان سرپرست خانوار هستند، در بهار و بیکار شده اند، همه خانه نشین. سرمایه هم ندارند که خودشان مواد اولیه بخرند و دار قالی برپا کنند. به همه جا مراجعه کردم اما پاسخی نگرفتم. تمام درها به رویم بسته شده بود تا در نهایت، این نامه را برای رئیس جمهور نوشتم. بعد از آن، مسئولان استانی پیگیری هایی انجام دادند اما همه در این حد که مرا خواستند دفترشان و گفتند دردت چیست؟ اما راه حل هیچ...

از دید این تولیدکننده فرش دستباف، نهادهای دولتی از جمله وزارت صنعت، وزارت کار و اداره دارایی با تولیدکننده های فرش، تعامل و همکاری نمی کنند و رفتار و رویکردشان با شعارهایی که در زمینه «حمایت از هنرهای ملی و صنایع دستی» سر می دهند، تطابق ندارد.

نمی گذارند کار و رونق بگیرد

نمی گذارند کار و رونق بگیرد

قالی بافنده ها به آتش بکشد و چرا از رئیس جمهور می خواست که در این آتش بازی شریک شود. دلپیش ساده است: مواضع بسیاری که مدیران استانی پیش پای تولید گذاشته اند، راه ادامه دادن را برای اوسد کرده است.

۲۰۰ کارگردار در یک مدرم

۲۰۰ کارگردار در یک مدرم

این هنرمندان بی نام و نشان، نظارت داشته باشد اما آیا خود همین نهاد به وظایف خود عمل می کند؟

یکی از مشکلات اصلی بیمه است

یکی از مهم ترین چالش ها و وظایفی که برعهده این نهاد است، ارائه «بیمه قالی بافان» است. داستان بیمه قالی بافان به سال ۱۳۸۸ برمی گردد که براساس مصوبه ای قانونی، اعلام شد بافندگان کشور می توانند از بیمه قالی بافان بهره مند شوند. برخورداری از این بیمه، مشروط بر این بود که قالی بافان از سازمان فنی و حرفه ای گواهی مهارت بگیرند و ادارات صنعت و معدن که متولی فرش در سطح کشور هستند، این افراد را تایید کنند. پس از طی این مراحل سازمان تامین اجتماعی مکلف بود تا از افراد تایید شده ۷ درصد حق بیمه بگیرد و ۲۳ درصد دیگر را نیز دولت یا ارائه به تامین اجتماعی بدهد. به گفته قابل نژاد، مهم ترین مشکل، همین بیمه است: بیمه قالی بافان «سوبسیدی» است چرا که ۲۳ درصد آن را دولت می پردازد. هر ساله تعدادی سهمیه برای مناطق و استان های مختلف اعلام می شود ولی این سهمیه به کارگر و بافنده نمی رسد و نصیب خویشان و اقوام خودی مدیران می شود. باور نمی کنید!

اومی افزایش سهمیه بیمه قالی بافان را در شهرستان به صورت غیر قانونی به غیر قالی بافان اختصاص داده اند. بیش از ۵۰ درصد آنهایی که از سهمیه بیمه استفاده کرده اند، قالی باف نیستند. این فساد نیست؟ آمده اند هسران خودشان را که خانه دار هستند، به عنوان «قالی باف» بیمه کرده اند! دست اندر کاران و مدیران، سهم کارگر محتاج به نان شب را گرفته اند و به کسان خودشان داده اند. وقتی سهمیه تعلق نمی گیرد، کارفرما مجبور است بیمه کارگری معمولی واریز کند که ماهی ۳۵۰ هزار تومان است که عملاً برای کارفرما دشوار می شود.

اگر سهمیه بیمه به قالی باف اختصاص داده شود، سهم کارگر فقط ۷ درصد است. قابل نژاد می گوید این ۷ درصد را هم به جای کارگر، من کارفرما می پردازم اما به شرط اینکه سهمیه به کارگر بدهند.

او در زمینه بیمه به مشکل دیگری نیز اشاره می کند: برای برخورداری از سهمیه بیمه، کارگر باید در آزمون فنی و حرفه ای قبول شود و گواهی نامه مهارت داشته باشد. یک آزمون کتبی می گیرند. مگر بافندگان فرش که عموماً زن هستند، می توانند در آزمون کتبی نمره بیاورند؟ اکثر این زن ها از روستاها آمده اند. آیا امتحان کتبی که سوال های دشوار تخصصی دارد، معیار مناسبی برای مهارت در

و تخصص است و مهارت دارد، مزد تعیین می کنیم. در کشورهای دیگر مزد توافقی در مورد کارگرانی اعمال می شود که ماهر و متخصص هستند ولی در مزد حداقلی یا تکلیفی به دنبال تعریف حداقل های زندگی برای نیروی کار هستیم.

حیدری با بیان اینکه مزد تکلیفی زمانی تعیین می شود که مازاد عرضه نیروی کار در بازار داشته باشیم، خاطر نشان کرد: در کشورهایی مثل آمریکا، آلمان و فرانسه که در حالت اشتغال کامل به سر می برند و نرخ بیکاری آنها متعادل است، حتی اگر مزد تکلیفی تعیین نکنیم، همیشه نرخ تعادلی دستمزد کارگر براساس نظام عرضه و تقاضای بازار کار از نرخ معناداری برخوردار است ولی وقتی با مازاد نیروی کار مواجه می شویم، نرخ بیکاری بالا می رود و به بازار کار فشار می آورد و معنایش این است که باید نرخ تعادلی دستمزد کاهش یابد.

وی در پایان با اشاره به بند دو ماده ۴۱ قانون کار، گفت: در این بند تاکید شده که حداقل مزد باید به شکلی تعیین شود که فارغ از همه متغیرهای موثر در نیروی کار، بتواند تامین کننده نیازهای معیشتی باشد ولی مزد توافقی

یکی از مشکلات

تولید کنندگان فرش با اداره

مالیات است. در قانون،

تولید کنندگان فرش از

مالیات معاف هستند، ولی به

ما می گویند شما در تولید از

مالیات معاف هستید اما در

فروش نه

بافندگی ست؟! از یک زن فرش باف روستایی می پرسند انواع «چله کشی» در استان قم را نام ببر! خنده دار است. این زن روستایی هیچ اطلاعی در این زمینه ندارد. اگر واقعاً می خواهند «مهارت» فرش بافان را بسنجند، دار قالی برپا کنند و ببینند باف!

مشکل بعدی تولید کنندگان فرش با اداره مالیات است. در قانون، تولید کنندگان فرش از مالیات معاف هستند. قابل نژاد می گوید: به ما می گویند شما در «تولید» از مالیات معاف هستید اما در «فروش» نه. ما هم می گویم ما که در تولید درآمدی نداریم. درآمدمان بابت فروش است! می گویند شما «واسطه» هستید در حالی که کارگاه مال ماست و همه امکانات را ما فراهم می کنیم. بافنده که توان ندارد خودش را به تنهایی به «بازار» برساند!

در نهایت مجموع همه این مشکلات سبب شده که در دو سال گذشته کارگاه فرش بافی «اثل فرش» بسته بماند. قابل نژاد می گوید: یک نگاه اشتباه را در جامعه دامن زده اند. این نگاه که تولید کنندگان فرش، همه در عرش سیر می کنند و به حدی رفاه دارند که رو آورده اند به نزول دادن پول به مردم. شما تلویزیون را ببینید، همین نگاه را ترویج می کنند در حالی که ما تولید کنندگان مشکلات بسیار داریم که اگر این مشکلات حل نشوند، نشانی از فرش و هنر زنان روستایی ایران باقی نخواهد ماند. بعد از انتشار نامه قابل نژاد برای دعوت از رئیس جمهور در مراسم آتش زدن کارگاه، مسئولان استانی سراغ او آمدند و خواستند بدانند مشکل چیست. قابل نژاد می گوید: مشکل من فردی نیست! دولتی ها در هر استان، اتحادیه های تولید کنندگان را دعوت کنند و به درها گوش بدهند. خواسته ما مشترک است: تسهیل روند تولید و فروش فرش دستباف.

مدت هاست که صنایع و هنرهای ایرانی، یک به یک راه اعمار در پیش گرفته اند. امروز اکثر نساجی های وطنی در آستانه سقوط قرار گرفته اند. گلیم بافی و صنایع پوشاک در معرض خطر است. آیا «فرش دستباف ایرانی» نیز قرار است به سرنوشت این محضران دچار شود؟



بیش از حداقل مزد است و مزایایی بیش از حداقل ها در آن دیده می شود.